

قلم اندازهای سفر ژاپون

ژاپون شناسی و ایران شناسی

= ۴ =

چهارشنبه ۲۷ بهمن

امروز حدود دو ساعت و نیم از اوقات پیش از ظهرم با پرفسور هندا و يك استادیار و يك دانشجوی او گذشت . درباره برنامه سفر تابستانی هیأت علمی که اذناشگاه هکایدو به ایران خواهد آمد و پیش از این اشاراتی به آن کرده بودم صحبت می کردیم . هندا گزارش سفر قبلی خود را که به خط و زبان ژاپونی است همراه داشت . نقشه‌ای از ایران بر روی میز گسترد و از من درباره راهها و مسافت میان شهرها و امکانات استفاده از مطمعین و فضایی محلی و همچنین منابع موجود در زبان فارسی سؤال میکرد . خلاصه آنچه به آنها گفتم عبارت بود از اینکه در باب احوال قهستان از لحاظ جغرافیای تاریخی از میان کسانی که اکنون حیات دارند بهتر از دکتر علیرضا مجتهد زاده و عبدالحمید مولوی و تقی بینش که در مشهدند نمی شناسم . البته به آنها گفتم که در تهران هم از اطلاعات دکتر محمد حسن گنجی ، دکتر محمد اسمعیل رضوانی و دکتر جمال رضائی می توان استفاده کرد . نیز گفتم بهترین اثر در باب آن خطه کتاب بهارستان در احوال رجال و تاریخ قهستان تألیف محمد حسین آیتی است . نیز برای قسمت کتاب باید به تألیف مفید آقای سلطان حسین تابنده که اخیراً به نام . . . انتشار یافته است رجوع کرد . باز گوئی اینکه به کتب اساسی جغرافیائی اسلامی از قبیل ابن حوقل و مسالك و ممالك اصطخری مراجعه کنید و از حدود العالم و نزهة القلوب غافل مباشید و کتاب عالمانه لسترنج در باب اراضی خلافت شرقی را فراموش نکنید سخن زائد و درست حکایت زیره به کرمان بردن بود .

اما درباره دامغان و قلعه اسماعیلی گرد کوه که مورد رسیدگی آنها خواهد بود ، گفتم یگانه متخصص ما هنوز چهارستوده است خوشبختانه او را به سبب کتاب با ارزش و قلاع اسماعیلیه در جبال البرزه خوب می شناختند . کتاب او را به من نشان دادند که از فرط خواندن و مراجعه کردن شیرازه گسیخته شده بود . نیز گفتم کتاب مفصلی هم آقای عبدالرفیع حقیقت به نام تاریخ قومس نوشته است . حتماً باید آنرا نیز در مطالعه بگیری و از اطلاعات او که شخصی محلی است بهره ور شوید . . .

بعد از ظهر با چهارتا از دانشجویان و همکاران پرفسور هندا به دیدن موزه هکایدو رفتیم . حدود چهل دقیقه با اتومبیل راه بود . موزه را دور از شهر بر فراز تپه پستی ، در میان منطقه ای جنگلی ساخته اند . این بنا به مناسبت یکصدمین سال زندگی نوین هکایدو و در حقیقت صد سالگی شهر ساپورو تأسیس شده است . بنایی است بزرگ ، مجلل و کم نظیر .

از میان موزه‌های زیادی که در ممالک مختلف دیده‌ام یکی از آنهاست که فوق‌العاده جلب نظر کرد. نه تنها از حیث بنا یا اشیائی که در آن بود، بلکه از لحاظ طرز چیدن اشیاء و نحوه عرضه کردن آنها. هر چیز را فوق‌العاده زنده و گویا و به اسلوب عرضه کرده‌اند. موزه‌ای است که از فسیل فیل و اسباب آهنگری قوم «اینو» و چرخ پنبه‌ریسی و مینیاتور ژاپنی و ترن نخستین و گرامافون قرن نوزدهم و کشتی‌های ابتدائی و اسباب بازیهای قدیمی و اشیاء زیر خاکی و عکس مناظر مربوط به زندگی صد سال پیش و لباسها و ابزارها و هزار چیز دیگر در آن دیده می‌شود. ولی هر يك به جای خویش و به شکلی برانزده چیده شده است. کشاورز قدیمی با اسبی که خیش می‌کشد در يك قسمت ایوان به اندازه طبیعی دیده می‌شود. به محضی که از کنار آن عبور کنی شیء اسب شنیده می‌شود کمی پس از آن بانگ کشاورز که به اسب می‌زند، به گوش می‌رسد. احتمالاً نوازشش می‌کند یا به آن فحش می‌دهد (باید ژاپنی بود تا فهمید. فراموش کردم که از همراهان معنی داد زدن دهقان را بپرسم). جای که بلمها و ابزارهای ماهیگیری است و بردیوار آن، حوطه عکس ماهیگران نقاشی شده ضبط صوت. ترائه ماهیگیران هکایدومی را پخش می‌کنند که نوازشکروبا حال است. بیننده‌ای که فسیلهای بسیار کهن دورانهای پیشین را دیده است و از اشیاء مربوط به قرون گذشته گذشته‌و بدین‌سوی رسیده‌است درین سوی موزه احساس زندگی و حیاتی می‌کند که هنوز ادامه دارد. انسان هکایدو به ماهی دریا همواره محتاج خواهد بود. دیروز می‌خواند و هلهله میکرد و سوار بر قایق جو بین دل به دریا می‌زد تا چند ماهی میگرفت. اما امروز با کشتیهای عظیم اطمینان بخش که آوازه‌های فرنکی و غیر آن از ضبط صوت «سونی» در آن پخش می‌شود اذدل اقیانوسها خروارها ماهی به کنار می‌آورد.

برای اینکه از ذوق کم مانند مهندسان پردازنده این ساختمان مختصری مطلع شوید می‌نویسم که یکی از دیوارهای داخلی سرسرای فوقانی این عمارت از قطعات چوب که به شکل «چارکی» بریده شده‌است پوشیده شده و بر روی آن (فضائی قریب به ۳ متر در ۸ متر) نعلهای کهنه شده‌اسب زده شده. گویا منظره‌ای است از زندگی قدیم، یعنی خواسته‌اند بدنه دیوار يك آهنگری را به مردم امروز و فردا نشان بدهند.

قسمت بسیار دیدنی موزه آثاری است که مربوط به زندگی قوم اینوست. پیش از این چند سطری در باب کیفیت حال آنها متعرض شده‌ام بسیار ناقص و نافهمیده. چه کند بینوا همین دارد.

خانه که آمدم کاغذ جمال زاده رسیده بود. مثل همیشه آن را با فوائد و تازگیها قلمی گردانیده بود. نوشته بود که مخبر السلطنه در سفرنامه مکه از راه چین و ژاپن نوشته بوده است:

«در بعضی از تواریخ ژاپن ذکر شده که سلسله پادشاهان و امپراطوری ژاپونی از نژاد و تبار شاهزادگان ایرانی هستند. به این قسم که پس از انقراض سلسله هخامنشی به دست اسکندر عده‌ای از شاهزادگان فراری به اقصی نقاط آسیا رفتند و در کشور آسمانی ژاپون تشکیل سلطنت دادند و خاندان فعلی پادشاهان ژاپن از آن سلسله می‌باشند و عجب آنکه قریب دو هزار

سال که يك سلسله در ژاپن سلطنت می کنند و به هر حال عده ای از محققین می گویند که نشان آفتاب درخشان که روی پرچم ژاپن است و همچنین نشان گل داودی و طرز کلاه سلاطین ژاپون عین همان نقشهائی است که در عمارت سلطنتی تخت جمشید دیده می شود! (که درس ۱۲۰-۱۲۱ سند و قهقهه اسرار جلد دوم تألیف جمالزاده نقل شده .)

فقط باید گفت یا للعجب ! خدا کند آنچه من نوشته ام و می نویسم از این قماش نباشد.

پنج شنبه ۲۸ بهمن

پنجشنبه بعد از ظهر حدود سه ساعت درباره نسخه های خطی اسلامی برای دانشجویان صحبت کردم مختصری بود از تاریخ آن در قرون گذشته ، یعنی طرز خرید و فروخت ، غارت و اهدا ، بالاخره اطلاعاتی که از لحاظ شناخت آنها لازم است . ظاهراً خوششان آمد . زیرا هم مشابهت هایی میان نسخ خطی ما و نسخ خطی چینی و ژاپنی هست و هم نکته هایی دیگر بر آنها عرضه شد که برای آنها تازگی داشت .

جمعه ۲۹ بهمن

قسمتی از وقت پیش از ظهرم به مرتب کردن نسخه کتاب انیس الخلوه گذشت که اوراق عکسی آن را از طهران همراه آورده ام . این نسخه متعلق به مرحوم سعید نفیسی بوده و اکنون از آن خانواده اوست . نسخه به خط نسخ خوش و از اواخر قرن هشتم یا اواسط قرن نهم هجری است . اوراق عکسی را بریدم و جدا جدا کردم و با زحمت زیاد شست و سه ورق را پس از سه ساعت جان کندن مرتب ساختم باز اوراقی چند ماند که محل واقعی آنها معین نشد . ناچار در انتها قراردادم . تقریباً دوسوم از کتاب موجود است و بقیه آن مفقود . شاید روزی از جائی نسخه ای دیگر پیدا شود . فعلا که در فهرس معروف نشانی از آن نیست . حالا که بعد از ظهر است به نوشتن این یادداشت مشغولم . کتاب در اخلاق و سیاست است . علی الظاهر در بیست باب تألیف شده . قسمت اعظم باب بیستم آن وجود دارد . مؤلف از سادات گلستانه اصفهان است و مرحوم نفیسی در کتاب تاریخ نظم و نشر فارسی مطالبی در باره او نوشته است ولی متأسفانه مثل سراسر آن کتاب مأخذ و مراجعی به دست نمی دهد . هر باب از کتاب مرکب است از : ۱- چند آیه ای از قرآن . ۲- احادیث نبوی . ۳- سخنانی از اولیا . ۴- منقولاتی از کلام عرفا و حکماء و خطبا و فصحا . ۵- اشعار شعرای عرب . ۶- اشعار شعرای فارسی گوی . ۷- حکایات به عربی و فارسی مربوط به موضوع آن باب .

بعد از ظهر جمعه شمه ای درباره کتیبه های قبور و محرابهای قرن پنجم و ششم یزد برای دانشجویان ایرانشناس دانشگاه هکایدو صحبت کردم پرفسور هندو چون به تاریخ سلجوقیان علاقه مندست دلش می خواست که اطلاعاتی درباره یزد در آن عصر داشته باشد . من چون مطلب اختصاصی دیگری درین زمینه نداشتم موضوع سنگه ها و کتبه های آن دوره را پیش کشیدم . اتفاقاً و ظاهراً مورد توجه او واقع شد .

شنبه ۳۰ بهمن

کاغذ دلپذیری از هنر چهر ستوده رسید . آفرین باد بر قلمش که همچون نفس نیرو-

بخش روان و یادآور ضمیر پاکش است .

و بنده حتی به صندوق سرچهار راه یوسف آباد هم معتقد نیستم و نامه را به پستخانه مبارکه می برم و در سوراخ اصلی نامه های خارجی که مستقیم روی میز می رود می اندازم و در صندوق دم در پستخانه هم نمی اندازم ... نامه شما از نامه افشین (از شیراز) زودتر می رسد . با اینکه پست ما شبانه روزی شده و ... می گفت به همین علت کاغذها ده روز دیرتر می رسد! خانه نشینی سخت مرا معذب کرده ولی چاره نیست دیر روز مهدی حمیدی شعری به عنوان آخرین سخن گفته بود که فهمیدم طبع این بابا بسیار قوی و توانا و وقاد و نقادست .. از فردا هم که اول چار چارست و مسلماً هوا رو به سردی خواهد رفت . بنده شرمنده که سرما خوددم زیادست به تنگ آمده ام .

یکشنبه اول اسفند

پیش از ظهر با دو جلد کتابی که L.I. Luyrov یکی از محققان شوروی در خصوص کتیبه های فارسی و عربی و ترکی قفقاز شمالی در سالهای ۶۸-۱۹۶۶ در مسکو انتشار داده و ثمره نوزده سال از حیات علمی اوست و در رفته . کتیبه ها از آن قرن چهارم است تا اواسط قرن چهاردهم (۱۳۳۱ هجری) . تعداد کتیبه های معرفی شده ۶۶۹ تا است از آن سنگ قبور ، محرابها و درگاه های مساجد ، مدارس ، یادگاریهایی که اشخاص بر دیوارها نوشته اند و جزاینها . خواه اکنون بر سر جای است یا در موزه هاست و یا از میان رفته و در کتب سیاحان معرفی نامه های علمی از آنها اثری باقی است .

محققی که این کتاب را فراهم آورده بسیار زحمت کشیده . ولی توفیق چاپ کردن صحیح متن بسیاری از آثار قدیم و نفیس را نیافته است . اشتباهات زیادی دارد که باید به تدریج توسط محققان آینده تصحیح شود . و از اشاراتی که به منقولات از آن می شود خوب دستگیرتان می شود که چه عرض می کنم . کتیبه خوانی کاریست بسیار دشوار . چون خود نیز دچارش بوده ام و بسیار اشتباه کرده ام بهتر به رنج این مؤلف ارجمنند پی می برم . کسی که بهتر از من این درد را حس کرده است منوچهر ستوده است .

از این مجموعه کتابهایی به دست می آید که واجد اهمیت تاریخی است و چندتایی را که مهمترین برای خود نقل می کنم به همان شکل که در کتاب آمده است و حاجت به اصلاح بر اساس مطابقه با کتیبه ها دارد :

یکی بقایای سنگی است با خط کوفی که جزء سنگهای قرن پنجم به حساب آمده و بر آن چند کلمه ای به فارسی نقل شده است .

د عمل پسر محمد (۱) از بر سنگ او نبشته است و چند کلمه دیگر که صورت نقل شده آنها معنی ندارد و من هم نتوانستم بخوانم .

دیگر (۷۲) بسم الله الرحمن الرحيم الله الله . قد جاء عسکر تاتار فلاعیر (؟) حدلهم الله فی باب القسط رحا اذا بقی من شهر ربیع الاول عشرة ایام فحارب معهم الی رجاء الی نصف ربیع الاخر فی سنة سبع ثلثین و ستمائة ثم امر بنبا هذه القلمة سباح بن سایمان فی شهر ذالحجه

من شهور سنة ثمانية و ثلاثين و ستمائة .

دیگر (۷۵) هذا المسجد الجامع باب القسط رجا قد خرب عسکر تاتار حین قد خرب کورد رجا فی شهر ربیع الآخر من شهور سنة سبعة و ثلاثين و ستمائة . ثم ان امیر اجل کبیر مؤید مظفر مجاهد مرابط تاج الدنیا والدین آدم من عبدالملک بن محمد ادام الله علوه قد امر بعمارة هذا المسجد فی شهر ربیع الاول من شهور سنة ثمانية و اربعین و ستمائة

(۶۲۲) از دربند مربوط به سال ۱۲۲۰

توفیق خدای لایزالی	شد شامل حال خان خانان
آن چاکر دودمان حیدر	نواب جناب شیخعلی خان
فرمود که تا کنند آباد	این مدرسه را که بود ویران
هم از ید غاصبان گرفتند	چون کعبه زدست بت پرستان
زین پس بکنند اگر کسی غصب	لغمت ز خدا بر او فراوان
درسال دو بیست و بیست با الف	معمور شد این خجسته بنیان

(۶۳۵) یادگاری دیواری خسرو میرزا پسر عباس میرزا در سال ۱۲۴۴ از که منلوط

چاپ شده است :

جهان ای برادر نماند به کس (۱)	دل اندر جهان آفرین بند و بس (۲)
مکن تکیه بر (۳) ملک دنیا و (۴) پشت	که بسیار کس چون تو آورد [و] کشت
نام نیکی گر (۵) بماند ز (۶) آدمی	به کزو (۷) ماند سرای زر نگار

حروه (۸) خسرو میرزا . خسرو میرزا ۱۲۴۴ .

از آثار زبان فارسی تا قرن سیزدهم نیز در آن صفحات جسته گریخته دیده می شود ، مانند این کتابه ها (۴۷۴) از دربند

تعمیر شد چشمه شیخ صالح سنة ۱۱۲۰

(۴۸۰) کتیبه از دربند مربوط به سال ۱۱۲۴

حمد بیحد واحد یکتا	به خداوند خالق اکبر
در زمان شه عدالت دین	شاه سلطان حسین دین پرور
ابتدای بهار و موسم گل	جمع گشتند مردمان اکثر
بذل کردند تحفه ای هر یک	بهر تعمیر مسجد و منبر
در ثوابش محله و بازار	یکسر آن جمله صالح کار (۹)

معمار مسجد غرا (۹) استاد محمود دربندی سنة الف مائة عشرین اربعة .

(۵۰۲) از سنگ قبری در مورخ ۱۱۴۵

نعمت دنیا سراسر خرده گیر (۹)	هر تماشا بکه ردی (۹) کرده گیر
ملک دنیا چون نماند پایدار	مشرق [و] مغرب بدست آورده [گیر]

۱- متن : نکس ۲- متن : رس ۳- متن : نکته به ۴- متن : به

۵- متن : که ۶- متن : به ۷- متن : که از ۸- مرده ۹- متن : گیر

(۵۶۶) از دربند

تعمیر دروازه باب جارچی دربند فی تاریخ هزار و دوست و شش .

(۵۸۳) بعضی تواریخ که بطور یادگاری نوشته شده :

- فتح بلدة شماخی بید شاه عباس سنه ۱۰۱۴ .

- تاریخ تخریب بلدة شماخی بید اسکندر سنة ۸۳۷

از کتبه‌هایی که حکایت از تاریخ عصر شاه عباسی و صفوی در آن صفحات دارد چند تا

نقل می شود :

از کتبه‌های دربند

که اورا صد سکندر بود چاکر
چنین شاهی که او را بر فلک سر
به اقبال شهنشاهی میسر
بنای ثانی سد سکندر

شهنشاه زمانه شاه عباس
غلام درگهش اندر جهان چند
مجدد گشت تعمیر همین باب
به فرمانش مجدد گشت تعمیر
(۴۲۱) ایضاً از دربند

هذا بناء ابوالمظفر شاه عباس بهادر خان حسینی و بسمی قرخان بیک سوازلوولد

پولاد بک .

گویا نظر خداست آنجا

خوش گوشه با صفاست آنجا

نوشتن این تاریخ پارس ایل سنة ۱۰۳۶

(۴۳۵) ایضاً از دربند

وقف نمود این حمام را سلطان بایزید سلطان بن بهرام سلطان استاجلوبه مسجدی که

جنب حمام است سنة ۱۰۶۵ .

(۴۳۸) ایضاً از دربند که سال تاریخ آن را ۱۰۷۷ حساب کرده‌اند .

شاه عباس چاکر حیدر
چون شنید آن‌ش خجسته سیر
آن عدالت پناه نکو منظر
که ز عدلش نموده آفت و شر
که بر آرد ز سنگ‌خاره گهر
هاتفی در رسید داد خیر
هست این هفت چشم از کوثر

در زمان عدالت آن شه
قلت آب قلعه دربند
حکم برخان شیروان فرمود
آنکه نامش نجفقلی خان است
حاجی یعقوب را مقرر کرد
جست توفیق سال تاریخش
که بر قدسیان ارض و سماست

(۲۷۶) حاجی امیر بن حاجی توکلی امیروقف کرد در چهارخانه برید فی غره شهر-

رمضان سنة سبعمائة . چشمه آب با چاه به لعنت خدا باشد هر که باز گیرد. (نشانه‌ای از زبان

فارسی در قرن هفتم در اران).

(۲۸۹) افتاد مسجد در هفتصد و هفتاد عمارت کرد افرروز (۴) بن طهمورث به یاری

حق تعالی ۷۷۰

۱- این مصراع را اینطور خوانده : «نامش نجفقلی خان است که»

و از اشعار فارسی که بر کتابه های مساجد و مدارس و قبور آن صفحات نقش است مقداری نقل می شود .

(۳۵۳) از کتابه قبر امیر ذوالقرنین بن امیر اسکندر در ۸۵۲

به خون دل بیروردیم فرزند
به خاک پاک ۱ باب الباب در بند
بروی نازنینش شاد بودیم
پدر با مادروهم خویش و پیوند

تو ریخته چون گل به جوانی در خاک
چون دامن گل پیرهن عمر تو چاک

(۳۵۴) از سنگ قبر شیخ منصور بن استاد توکل (۲) مورخ ۸۵۷

نوباوه گلی به گلستان آمده بود
بر شاخ امید کامران آمده بود
باد اجل از (۳) میان جانها بر کند
سروی که دوروزی (۴) به میان آمده بود

ساعت چهاربید از ظهر میان سوزو کولاک بدی با پرفسورهندا به سوی خانه او که از شهر دورست رفتیم . خانه به اسلوب ژاپنی است . چون رسیدیم کفش را کنجیم و به خانه درآمدیم . هوندا به محض رسیدن لباس کندولباس خانگی ژاپنی که به آن «تانزن» (Tanzen) می گویند پوشید و آسوده لمید. تنزن در حقیقت حکم عبای خودمان دارد با اختلاف اینکه بندی بر روی آن می بندند .

توسط او کاغذی از مؤسسه مطالعات آسیایی رسیده بود چون گشودم اطلاعاتی بود درباره تشکیل هفدهمین کنگره ژاپنی مطالعات شرقی که در تابستان تشکیل می شود . ازهندا پرسیدم که این دیگر چه تشکیلاتی است و امرش از کجا می گذرد . گفت وزارت امور خارجه برای پیشرفت تحقیقات شرقی به این مؤسسه کمک می کند. و این مؤسسه کنگره ملی شرقشناسی ژاپن را اداره می کند . رسم این کنگره برین است که سخنرانان همه غیر ژاپنی اند و ژاپنی ها فقط سراپا گوش می مانند .

۱- متن : باب ۲- متن : بوکل ۳- متن : آن ۴- متن : دوری (۴)

نیایی

درین دشت لب تشنه آبی نیایی
توای مست نعمت در آن ساغر می
جهانست گسترده خوابی که بر او
به ظلمت مرو در پی آب حیوان
در آن بستر نازایمن چه خسبی
درین کوه بیهوده فریاد خوانی
محبت ز وحش و ز انسی نبینی
توای عمر و جولان کن آنسان که خواهی
درین خارسان جای خوابی نیایی
بجز خون دلها شرابی نیایی
بجز لخت دلها کبابی نیایی
که در چشم آن چشمه آبی نیایی
چو در دیده فتنه خوابی نیایی
که جز ناله خود جوابی نیایی
مروت ز شیخ و ز شای نیایی
که بر پشت زین بو ترابی نیایی
پژمان بختیاری